

نبرد حماسی ایران برای حاکمیت بر نفت

مشعل نیوز : نفت ایران برای دهه‌ها، نمادی از رونق و استثمار بوده است. ذخایر عظیم هیدروکربنی ایران، آتش رقابت‌های ژئوپلیتیک، بهره‌کشی استعماری و تلاش‌های سوزان برای رهایی را شعله‌ور کرد. ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۱ میلادی) به رهبری محمد مصدق، نقطه عطفی در این ماجراجویی تاریخی بود؛ ایستادگی جسورانه‌ای برای حاکمیت ملی که سیاست انرژی جهان را دگرگون کرد.

ریشه‌های بهره‌کشی: از داری تا شرکت نفت انگلیس و ایران

صنعت نفت ایران با «قرارداد داری» در سال ۱۲۸۰ (۱۹۰۱ میلادی) آغاز شد که حقوق انحصاری اکتشاف، استخراج و صادرات نفت ایران را به ویلیام ناکس داری، سرمایه‌دار بریتانیایی، اعطا کرد. کشف نفت در مسجدسلیمان در سال ۱۲۸۷ (۱۹۰۸ میلادی) به تأسیس شرکت نفت انگلیس و ایران (AIOC) انجامید که دولت بریتانیا در سال ۱۲۹۳ (۱۹۱۴ میلادی) ۵۱ درصد سهام آن را خریداری کرد. این آغاز یک پروژه استعماری در پوشش تجارت بود.

شرایط امتیاز داری به‌شدت ناعادلانه بود. ایران تنها ۱۶ درصد از «سود خالص» شرکت را دریافت می‌کرد؛ رقمی که با حسابداری‌های غیرشفاف دستکاری می‌شد. شرکت نفت انگلیس زیرساخت‌ها را انحصاری کرد، مالیات ناچیزی پرداخت و ایرانیان را از نقش‌های مدیریتی محروم ساخت. سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۰ میلادی)، خشم کارگران ایرانی نفت از این اقدام‌های انگلیس شعله‌ور و منجر به ابطال قرارداد داری از سوی رضا شاه شد. رضا شاه پس از ابطال این قرارداد در فاصله اندکی قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) را به مدت ۶۰ سال با شرکت نفت انگلیس امضا کرد، اما این قرارداد نیز، قرارداد مناسبی نبود و حق ایران به درستی ادا نشده بود. حق امتیازها بر اساس تئوژ، نه ارزش بازار، محاسبه می‌شد و سود شرکت نفت انگلیس اوج گرفت، در حالی که سهم ایران را کد ماند.

جرقه‌های ملی‌سازی

پس از جنگ جهانی دوم، صحنه سیاسی ایران دگرگون شد. قانون مصوب

۱۳۲۳ (۱۹۴۴ میلادی) مجلس شورای ملی، اعطای امتیازهای جدید را ممنوع کرد، اما فشارهای شوروی و بریتانیا ادامه یافت. در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷ میلادی)، ایران پیشنهاد مشارکت با شوروی را رد کرد و خواهان بازپس‌گیری حقوق نفت جنوب شد. تا سال ۱۳۲۸ (۱۹۴۹ میلادی)، سوءاستفاده‌های شرکت نفت انگلیس، ازجمله بهره‌کشی از کارگران، اتلاف منابع (سوزاندن سالانه ۳.۵ میلیون تن گاز) و حق امتیازهای ناچیز خشم عمومی را برانگیخت.

مصدق، ملی‌گرایی سرسخت، به رهبری این جنبش تبدیل شد. «دکترین موازنه منفی» او در ۱۳۲۳ (۱۹۴۴ میلادی)، سلطه خارجی را رد می‌کرد. سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷ میلادی)، مجلس «قانون تک‌ماده‌ای» را تصویب کرد که بازگرداندن حقوق نفت را الزامی می‌کرد. وقتی شرکت نفت انگلیس سال ۱۳۲۸ (۱۹۴۹ میلادی) «قرارداد الحاقی» پیشنهاد داد که حق امتیازها را ناچیز افزایش می‌داد، اما حسابرسی سود را منع می‌کرد، مجلس با الهام از جبهه ملی مصدق آن را رد کرد.

فرمان ملی شدن

در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱)، مجلس شورای ملی قانون ملی شدن صنعت نفت را تصویب و اعلام کرد «صنعت نفت ایران در سراسر کشور ملی است». این قانون شرکت ملی نفت ایران (NIOC) را برای مدیریت عملیات تأسیس و دریافت غرامت از دارایی‌های شرکت نفت انگلیس را الزامی کرد. مصدق که اردیبهشت ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید، سوگند خورد «غارت استعماری» را پایان دهد.

اسناد اولیه، توجیه حقوقی ایران را آشکار می‌کنند. گزارش ۱۹۵۱ میلادی به آوریل هاریمن، فرستاده ویژه آمریکا از «حقه‌بازی‌های ناخردانه» شرکت نفت انگلیس پرده برداشت: عدم پرداخت حق امتیاز، فرار مالیاتی و تبعیض نژادی علیه کارگران. سود ۸۵ میلیون پوندی شرکت در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ میلادی) که تنها ۱۶ میلیون پوند به ایران رسید، در حالی که خزانه بریتانیا ۵۰ میلیون پوند تصاحب کرد. مصدق استدلال کرد ملی شدن، حق حاکمیتی ایران است که در منشور سازمان ملل متحد تضمین شده است.

واکنش غربی و کودتا

بریتانیا با خشم پاسخ داد. شرکت نفت انگلیس تکنیسین‌ها را خارج کرد، صادرات نفت ایران را محاصره کرد و خریداران جهانی را تحت تعقیب قضایی قرار داد. بریتانیا پرونده را به دیوان بین‌المللی

دادگستری و شورای امنیت سازمان ملل برد، اما هر دو به نفع ایران رأی دادند. پشت پرده، اما MI۶ و CIA طرح کودتای ۲۸ مرداد (عملیات آژاکس) را ریختند.

نامه‌ها و خاطرات منتشرشده، سرسختی بریتانیا را نشان می‌دهند. آنتونی ایدن، وزیر خارجه بریتانیا، مصدق را «متعصب» خواند، در حالی که سر ویلیام فریزر، رئیس شرکت نفت انگلیس، تکنیسین‌های ایرانی را «ناتوان» توصیف کرد. آمریکا که ابتدا همدل بود، از نفوذ کمونیسم هراسید. در مرداد ۱۳۳۲ (اوت ۱۹۵۳)، CIA کودتایی ترتیب داد، مصدق را برکنار کرد و محمدرضا پهلوی را بازگرداند. دارایی‌های شرکت نفت انگلیس به کنسرسیومی غربی منتقل و کنترل خارجی احیا شد.

بازنگری اخلاقی و اقتصادی

پژوهشگرانی مانند ادوارد هنیکر - میجر استدلال می‌کنند «کوتاه‌نظری امپریالیستی» بریتانیا بحران را دامن زد. امتناع شرکت نفت انگلیس از الگوی تقسیم ۵۰-۵۰ سود (مانند ونزوئلا) و سیاست‌های نژادپرستانه کارگری، اسکان کارمندان بریتانیایی در ویلاها و نگه داشتن کارگران ایرانی در حلبی‌آبادها، هرگونه مصالحه را ناممکن ساخت. قانون ملی شدن ۱۳۲۹، مصادره اموال نبود، بلکه خواسته‌ای برای کرامت بود.

اقتصاد ایران بهای سنگینی پرداخت. صادرات نفت از ۶۶۴ هزار بشکه در روز در ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ میلادی) به ۲۰ هزار بشکه در ۱۳۳۱ (۱۹۵۲ میلادی) سقوط کرد. با این حال پیروزی اخلاقی این جنبش در جهان طنین‌انداز شد. اوپک که در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی) تأسیس شد، از ایستادگی ایران الهام گرفت و ژئوپلیتیک انرژی را دگرگون کرد.

میراث: از انقلاب تا تحریم‌ها

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) مأموریت ناتمام مصدق را تکمیل و شرکت‌های خارجی را اخراج کرد، اما تحریم‌های آمریکا از ۱۳۷۴ (۱۹۹۵ میلادی) صنعت ایران را نشانه رفت، نشانه‌ای از خطرات همیشگی حاکمیت بر منابع.

امروز تاریخ نفت ایران روایتی هشداردهنده است. ملی شدن ۱۳۲۹ اگرچه ناتمام ماند، اما ثابت کرد حاکمیت بر منابع غیرقابل مذاکره است.

ملی شدن نفت ایران فراتر از یک سیاست اقتصادی بود؛ شورشی علیه دهه‌ها تحقیر، ایستادگی مصدق، اگرچه با دخالت خارجی سرکوب شد، جرقه بازنگری جهانی در استثمار استعماری را زد. امروز که ایران تحریم‌های مدرن را لمس می‌کند، طنین ۱۳۲۹ یادآوری می‌کند که کنترل بر «طلای سیاه» همچنان «خط قرمز» ملت‌های خواهان استقلال است.

رضا آبخ احمدلو

پژوهشگر مواد و انرژی